



غوث زلمی ترور شد انا لله وانا اليه راجعون.

نویسنده: قاری عتیق اللہ ساکت

08.11.07

"غوث زلمی" یکتن از گویندگان رادیو تلویزیون که نسبت مؤفقتیت اش در بذله گویی و طنزگویی در دوره های که افغانستان دار وندارش در پایتخت کشور فقط یک رادیو ویک تلویزیون بود، زیادتر برنامه های "پاسخ چیست" و "مسابقات ذهنی" را گردانندگی میکرد و از همین طریق شهرت زیادی کسب نموده از محبوبیت خاصی در بین مردم افغانستان برخوردار بود. پس از برکناری حکومت "داکتر نجیب" و رویکار شدن حکومت مجاهدین وی جانب ژنرال دوستم را نسبت به همه جناح های دیگر ترجیح داده از طرف حزب جنبش ملی بحیث رییس اطلاعات و فرهنگ، ببخشید! وزیر اطلاعات و فرهنگ در آن حوزه ایفای وظیفه مینمود. پس از تحولات پی در پی سیاسی و نظامی نطق خوش طبع و لطیفه گوی رادیو تلویزیون افغانستان، افغانستان را کلاً ترک و از آنجا به ازبکستان رفت ولی در آنجا نسبت دست داشتن در قاچاق مواد مخدر دستگیر و تامدتی زندانی گردید. پس از رهایی از زندان جانب مسکو و از آنجا به یکی از کشورهای غربی پناهنده شد. موصوف بالاخره پس از تأسیس حکومتهای انتقالی و انتخابی دوباره به افغانستان برگشت ولی با این تفاوت که اینبار جاغور خود را کمی کلانتر از گذشته برای کسب موقف اجتماعی و سیاسی باز کرده بود. چنانچه از همان آغازین لحظات که وی دوباره وارد وطن شد، خود را نامزد وکالت در مجلس نمایندگان نموده به کمک شهرت و محبوبیت کهنه و پوسیده اش که دیگر کمتر کسی اورا بیاد داشت و گذشت دو دههء زمانی با آنهمه نشیب و فرازش اکثر یادها و خاطره های زمان گذشته را در اذهان بعضی مردم کاملاً شسته و رفته بود، میخواست از ایشان رأی اعتماد گرفته بحیث نمایندهء مردم در مجلس عوام راه یابد. اما متأسفانه که دیگر کمتر کسی اورا میشناخت. زیرا دیگر وقت او گذشته بود و حالا نوبت، نوبت نسل جوان بود. همه چیز تا بیست سال پیش تغییر کرده بود. حالا بجای یک تلویزیون، چندین تلویزیون و بجای چند تن گویندهء معدود ده ها گوینده و باصطلاح بجای یک "غوث زلمی" صدها غوث زلمی بوجود آمده بود. با بوجود آمدن تلویزیون ها و رادیوهای خصوصی آنقدر گوینده های بچه و کچه در انظار مردم عرض اندام نموده بودند که باصطلاح مردم زیر هر سنگ را که بالا میکردی ده ها تن نطق و گوینده خفته بودند. گویندگان که آقای "غوث زلمی" همه ایشان را

ژورنالستان وگویندگان کوچه یی و بازاری و فاقد اخلاق و مسلک میخواند و بار بار ایشان را طی مصاحبه های خود بباد انتقاد گرفت.

باین ترتیب آقای غوث زلمی نتوانست کوچکترین مؤفقیتی را در میدان سیاست بدست بیاورد. ازینرو نسبت بدست نیابردن رأی کافی در میدان مبارزه سیاسی ناکام شده و زیر سم ستوران قویتر از خود پامال گردید. آقای "غوث زلمی" پس از تحمل این شکست بزرگ مدتی بیکار و ندرتاً در حلقه کابلی های اصیل در برنامه چاپخانه تلویزیون خصوصی "طلوع" دیده میشود. ولی سرانجام موقف خود را بحیث رییس خبرنگاران افغانستان تعیین کرد و با اینکه درین میدان نیز با رقیبها، حریفها و گروهبندیهای متعددی روبرو شد ولی تلاش های را که در راه احراز و حفظ این موقف انجام داد تا اندازه یی مؤفقاانه مینمود. درست در همین هنگام بود که وی از طریق نشست های مکرر با یکتعداد مردمان اصیل کابلی به خانقاه "تمیم انصار" نیز راه یافت و ازین لحظه بعد لقب دیگر را نیز با نام خود علاوه کرد و از "دوکتور احمد غوث زلمی" به "خادم تمیم انصار حاجی دوکتور احمد غوث زلمی" تبدیل شد. پس از چندی ایشان همزمان با فعالیتهای خانقاهی در کنار وظایف اصلی و فرعی یک وظیفه دیگر را نیز اشغال کردند که نمایندگی از دهان و زبان و شخصیت اداری و رسمی دادستان کل افغانستان آقای "ثابت" میکرد بنا اینبار نامش توأم با القاب و عناوین که طی کوشش های فراوانی بدست آورده بود، تاجایی رسید که تقریباً یک سطر صفحه را پرمیکرد:

خادم تمیم انصار، الحاج دوکتور احمد غوث زلمی، رییس اتحادیه ژورنالستان و سخنگویی دادستان کل افغانستان.

چنان معلوم میشود که جناب شان طابق النعل بالنعل در خط پای آقای "فاروق وردک" که با اشغال ده ها وظایف دولتی (چون: وزیر دولت در امور پارلمانی، رییس جرگه امن منطقوی، رییس دارالانشاء و غیره) نام و القاب رسمی شان اضافه تر از چهار سطر صفحه کاغذ را پرمیکند، شاگردانه گام برمیداشت و میخواست که روزی نام و لقب های رسمی، دولتی، افتخاری و امتیازی اش همچو ایشان (آقای فاروق وردک) نیمی از صفحه کاغذ کلان را پر نماید. همین بود که درین اواخر زمانیکه نام و القاب دور و دراز شان یک سطر کاغذ را پرمیکرد گویا جنابشان باینقدر هم قناعت نکرده میخواستند که یک سطر دیگر را نیز بر نام و شهرت خود بیافزایند که درین هنگام با یک اقدام باور نکردنی حتی ادعای نزول ملایک را بر بام خانقاه "تمیم انصار" غرض اهدای قرآن فارسی برای شخص خود نموده با نوشتن یک مقدمه بی سر و پا که آنهم در شهزار کتاب بنام "قرآن پاک" چاپ شد، صریحاً اعلام کرد که ملایک اینرا برای من تحفه آورده است. مضمون ایشان با این جمله آغاز یافته بود:

یا هو، ای بیادت هی هی و های های من!!!؟ حالا معلوم نبود که این موجود و یا هم معبود که آقای زلمی بیادش هی هی و های های را سر میداده، چی و کی بوده است. فکر میکنم که کرام الکاتبین هم درین جمله مات و مبهوت مانده باشند که این دیگر کیست؟ زیرا هرگاه مسلمانان میخوانند گفتار و کلام خود را متبرک بسازند درست بانام خدا و با بسم الله آغاز میکنند و درست نام خدای خود را بر زبان میاورند نه با الفاظ و جملات مبهم و کنایه آمیز که حتی کرام الکاتبین را هم بحیرت بیاندازد که این جنس "های های" برانگیز کیست؟ و آنرا جز خود شخص در دل اش هیچکس دیگر شناسد که کی و چی است.

0197 260 355

ياهو

ای به یادت هی هی و هی های من

قاریین کرام، آگاه و صاحب دل ،

السلام علیکم،

خداوند منان را سپاس گزاریم که همیشه مددگار مخلوق خود بوده و در هر زمان و مکان او را کمک و معاونت میکند به شرطیکه بنده هم، پرودگار مهربان را به یگانگی از صدق دل، بشناسد و بپرستد. در کلام پاک، خالق عالم و آدم میفرماید:

« چنگ زیند به رسن خدا (قرآن مقدس) و از هم متفرق نشوید » که کامیابی و سرفرازی ما نیز در اتحاد و اتفاق و چنگ زدن به ریسمان الله تعالی است.

فرقان مجید به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده که بندگان خاص از آن استفاده ها و فیوض می برند، حتی با خوانش قرآن مقدس به زبان بومی خود به حقانیت دین مبین اسلام پی برده و ایمان همی آورند. خوشبختانه در یکی از جمعه ها برای ادای نماز طبق معمول و عادت در مسجد جامع مبارک حضرت تمیم انصار (رض) (شهادای صالحین) نشسته بودیم که یک نسخه کتاب معظم آسمانی به زبان دری به دسترس ما قرار گرفت به نظر من ملایک آنرا به ما هدیه داد تا در طبع مجدد و تکثیر آن بکوشیم. قرآن کریم را به محترم قاری مشتاق احمد فرزند شیخ القرا قاری محمد عمر خان خطیب مسجد مبارک حضرت تمیم انصار (رض) سپردیم تا از صحت بودن آن ما را اطمینان دهند. بعد از دادن اطمینان به صحت ترجمه ی آن، تصمیم گرفتیم به میمنت ماه متبرک رمضان شریف، ماه نزول و جشن قرآن پاک آنرا تکثیر نموده در شب بیست هفتم در ختم کلام الهی به وطنداران خود و کسانیکه علاقه داشته باشند طور رایگان توزیع نماییم، تا کسانیکه به زبان عربی آشنائی کامل ندارند، قرآن مبارک را به زبان خود قرائت نمایند.

اینک نسخه ی دری آن به دسترس شما عزیزان قرار دارد، تا بخوانید و ما را هم از دعای نیک فراموش نکنید. انشاءالله که در آینده باز هم در تکثیر هرچه بیشتر آن خواهیم کوشید تا اکثریت وطنداران ما و اکثر دوستانی که با زبان دری آشنا هستند، آنرا در اختیار داشته باشند و باید به عرض برسائیم که به زودی به کمک ایزد لایزال نسخه ی ترجمه پشتوی آن را نیز طبع و تکثیر خواهیم نمود.

باید یاد آوری کرد، از کسان خداییکه با ما با قلمی، قدمی یا درمی یاری رسانیده اند، خداوند لایزال اجر دارین را نصیب شان بگرداند. آمین یا رب العالمین!

دوکتور احمد غوث زلمی (ژورنالیست)

آدرس چاپ خانه: مطبعه نوری

آدرس دفتر: جاده ولایت کابل

تلیفون دفتر: 0700215754

0777215754

0799544921

تلیفون کارخانه: 0797248127

ایمیل آدرس: nooripress@gmail.com

noori_press@yahoo.com

noori_press@hotmail.com

ماه مبارک رمضان ۱۴۲۸

میزان ۱۳۸۶، اکتوبر ۲۰۰۷

ایمیل آدرس: Ghaws_zalmai@yahoo.com

تلیفونها: قاری صاحب مشتاق احمد:

0799303123

احمد غوث زلمی: 0700029777

0752006563

تعداد فعلی: شش هزار نسخه

قیمت تمام شد فی نسخه: یکصد افغانی

آقای زلمی پس از بدست آوردن این کتاب بزعم خودش قرآن از دست ملایک، خلاف اصول ومقررات معمول در دنیای مطبوعات بجای اینکه این کتاب را برای یک مجمع باصلاحیت علمای دینی بسپارد، برعکس برای شخصی بنام "قاری مشتاق احمد" خطیب مسجد تمیم انصار میسپارد تا پس از اجازه وقتوای شخص وی که معلوم نیست چقدر در علوم دینی معلومات دارد، به نشر وطبع آن اقدام نماید. قاری "مشتاق احمد" هم که معلوم میشود، اصلاً یک خرده آگاهی ومعلومات درباره مسایل دینی نداشته واصلاً زبان عربی، ترجمه قرآن وتفسیر را گاهی نخوانده، صرف با امامت درمسجد مشهور "تمیم انصار" که بیشتر چرسیان، قماربازان وافراد بیدانش درانجا تجمع نموده بجای مسجد ازان خانقاه ومحل نعت خوانی، سرود خوانی، پایکوبی وجفت وخیز جور کرده اند، خود را درمیان ایشان همچو علامه دهر امام "فخر رازی" تصور کرده انا بر تارک این کتاب مهر تأیید را میزند وازجانب شخص خود اجازه طبع ونشر آنرا صادر مینماید. کتاب مذکور با عجله تمام در چاپخانه "نوری" تحت نام "قرآن پاک" به مقدار شش هزار جلد طبع و بعد طور رایگان توسط آقای "عوث زلمی" با همان مقدمه مزخرف که در صفحه اول آن نوشته بود، برای مردم توزیع میگردد بی آنکه هیچ متنی عربی ازقرآن دران بکار رفته باشد.

ياهو

محترماً:

اینجانب قاری مشتاق احمد فرزند شیخ القراء قاری محمد عمر خان خطیب مسجد شریف جامع حضرت تمیم انصار (رض) تصدیق مینمایم، موقیعه که کتاب پاک آسمانی چاپ دری آن که توسط محترم استاد قدرت الله بختیاری نژاد با آدرس برقی farsikoran@yahoo.com و شماره تیلیفون (۵۳۲۱۴۰۲، ۷۱۴، ۰۰۱) در امریکا ترجمه گردیده بود، در اختیارم قرار گرفت بعد از قرائت کامل آن در یافتیم که دقیق ترجمه گردیده و خدای نخواستہ تحریفی در آن صورت نگرفته است.

بدین منظور محترم دوکتور حاجی احمد غوث زلمی، رئیس اتحادیه ملی ژورنالستان، رئیس نشرات و سخنگوی لویه حارنوالی را که از سالهای دیر خادم قرآن، سنت و مسجد مبارک حضرت تمیم انصار (رض) هستند، وظیفه دادیم تا در طبع مجا و تکثیر آن سهم گیرند که دوطلبانه پذیرفتند. خداوند (ج) همه ی ما و شما را اجر دارین نصیب گرداند.

با احترام

قاری مشتاق احمد خطیب

مسجد مبارک حضرت تمیم صاحب انصار (رض)



به نام فرستاده ی سوره ی مبارکه ی « اقرء »،

بعد از اینکه قاری صاحب مشتاق احمد ما را از صحت ترجمه ی آن اطمینان دادند، خواستیم به طبع مجدد و تکثیر و توزیع آن طور رایگان، به هموطنان و کسانی که علاقمند باشند اقدام نمایم.



دوکتور احمد غوث زلمی (ژورنالیست) کابل ، افغانستان

خادم مسجد شریف و مسوول طبع و تکثیر



باپخش و توزیع این کتاب که در اصل صرف ترجمه قرآن بوده و مترجم آن شخصی مجهول الهویه بنام آقای "بختیاری نژاد" مقیم آمریکاست، ناگهان هیاهوی در میان یکتعداد مردم که در علوم دینی تاجایی معلومات داشتند، برپا شد. ولی همه در انتظار واکنش و تصمیم رسمی مقامات و مراجع فتوای امور دینی دولت چون وزارت حج و اوقاف و دیوان عالی (ستزه محکمه) بودند و فکر میکردند که شاید ایشان درین ارتباط احساس مسؤلیت نموده در ارتباط تجویز و یاهم تحریم کتاب مذکور پس از تحقیق و بررسی مکمل آن، عکس العمل نشان دهند ولی متأسفانه که هیچیک ازین دو اداره بی کفایت که بیشتر بامسائل عقیدتی دینی و مذهبی مردم سر و کار دارند، با هزارها ملا و ناملای دینی خود از وزیر و رییس شان گرفته تا خطیب و مؤذن و غیره نتوانستند و یاهم نخواستند که حتی یک صفحه این کتاب را لا اقل یکساعت بخاطر رضای خدا خوانده محققانه قضاوت کنند و تکلیف مردم را در ارتباط آن حل نمایند. تا اینکه یکی از نهادهای مدنی بنام "جمعیت اصلاح" بتاريخ 9 عقرب 1386 گردهمایی را زیر نام "بیباید از قرآن دفاع نماییم" و اکنش بسیار تندی را برضد این کتاب بخرچ داده شدیداً آنرا تقبیح نمودند. با تدویر این گردهمایی خبر چاپ این کتاب بعنوان قرآن تحریف شده بوسیله آقای غوث زلمی فضای مطبوعات را پر کرد و قضیه کاملاً رنگ دیگری را بخود گرفت. گردانندگان این گردهمایی چاپ کتاب مذکور را دنباله تجاوزات دشمنان اسلام برمقدسات دینی خواندند و قطعنامه بی را مبنی بر ممنوع الخروجی، گرفتاری و مجازات آقایان "غوث زلمی" و "قاری مشتاق احمد" صادر نمودند که از طریق رسانه ها مکرراً پخش شد.

نقش غرض آلود رسانه ها

درینجا لازم است مکئی بر فعالیتهای تخریبکارانه و نقش مغرضانه بعضی از رسانه ها داشته باشیم. بعضی از رسانه ها که از ذکر نامشان خودداری میکنم بنا به روابط تنش آلود که قبلاً با دادستان کل افغانستان آقای "ثابت" داشتند، این موضوع را بیشتر و بدتر از آنچه باید میکردند، تبلیغ نمودند. بدتر ازین لحاظ میگویم که ایشان در ارتباط این ماجرا بی آنکه کوچکترین موارد تحریف را از طریق علما و محققین پیدا نموده گزارش خود را معتبر و مستند بسازند، بر عکس بر روی جاده ها و خیابان ها از مردم عوام نظریات شانرا در ارتباط این موضوع غرض مصاحبه گدایی و جمع آوری نموده به نشر میسپردند. حتی افرادی را که فاقد سواد عادی بوده تاچه رسد باینکه کتاب چاپ شده را یکبار مرور نموده باشند و معنای تحریف را بفهمند، از سخنان خشم آلود ایشان در گزارشهای خبری برضد آقای "غوث زلمی" که سمت سخنگویی آقای ثابت را داشت، استفاده کردند. درین میان یکی فریاد میزد: آقای غوث زلمی باید کشته شود! دیگری میگفت: زندانی گردد! و..... درحالیکه هیچیک از ایشان از محتوای آن کتاب آگاهی چه که حتی رنگ آنرا ندیده بودند. بنظر من اینعهده رسانه ها کاملاً برخلاف موازین خبرنگاری و ژورنالیزم حرکت میکنند. زیرا حرف مردم عوام ولو اینکه به حق اصابت کند باز چندان مدار اعتبار نیست زیرا قول ایشان همیشه بر بنیاد افواهات و اقوال دیگران و بر اساس "گویند و میگویند" استوار است نه بر پایه "خود دیدم و خود دریافتم".

متأسفانه که بنده باصدها نفر حتی مردم تحصیلکرده جامعه ما برخوردارم که قضاوت شان درباره این کتاب بر پایه گویند، گفتند و میگویند استوار بود. هیچکس را ندیدم که بگوید من یک بخش یا کم از کم یک صفحه از این کتاب را خواندم و به چنین چیزهای برخوردارم بلکه هر یک میگفتند: میگویند که درین کتاب همجنس بازی روا پنداشته شده است. دیگری میگوید: میگویند چیزهای که خدا حرام قرار داده درین کتاب حلال گفته و برعکس. دیگری میگوید فلانی گفت که این کتاب بعضی از آیات قرآن را حذف کرده و اصلاً هیچ ترجمه نکرده است و غیره. متأسفانه که بعضی از رسانه ها تا این حد هم معیارها و اصول خبرنگاری را زیر پا گذاشته آگاهانه از چنین مردم بیخبر مفتی جور کرده با پخش نظریات ایشان تا جاییکه دستگاه های فرستنده تلویزیون های شان قوت پرتاب تصاویر و صدا را به نقاط دور دست کشور داشت، همچو مصاحبه هایی را نشر کردند و آتش خشم مردم را در همه جا برافروختند بدون اینکه نخست تحقیق نمایند که آیا این کتاب واقعاً به مفهوم قرآن تحریف شده است یا نه؟ در نتیجه آقای "غوث زلمی" با اینگونه تبلیغات منفی، سخت تحت تأثیر فشارهای روانی و روحی قرار گرفته فرار را برقرار ترجیح داد که بتاريخ 04/نوامبر/2007 هنگامیکه بسوی پاکستان حرکت داشت در نزدیکی مرز توسط یکعهده افراد گماشته شده دولتی دستگیر گردید. متأسفانه که فرار نابهنگام و غیر عاقلانه آقای "غوث زلمی"

در چنین موقع حساس ظن و گمان آنانی را که فکر میکردند، وی اینکار را عمداً و بخاطر پیشبرد اهداف حلقات خاص انجام داده است، به یقین تبدیل کرد.

یک زاغ و چهل زاغ

بهر تقدیر، حالا سؤال اصلی اینجاست که مراجع ذیربط دولتی علیه او و همکارش قاری "مشتاق احمد" چه خواهند کرد و چه اقداماتی برای حل این موضوع باید صورت گیرد؟ هستند بعضی ها که از سرنا آگاهی حالا قضیه عملی گی اورا بحیث جاسوس و یا هم "سلمان رشدی" افغانستان مطرح کرده خواهان شدیدترین مجازات بر علیه وی شده اند و حتی چند مظاهره بی تند هم در واکنش به این عمل در بعضی نقاط افغانستان سازمان یافت. از سویی دیگر آنچه بیشتر از همه برای بعضی از هموطنان ما مایه تشویش است اینست که با این عمل سهوی یا عمدی آقای "غوٹ زلمی" حالا بهترین سود و منفعت تبلیغاتی را سازمان القاعده و طالبان بخاطر بسیج بیشتر پیروان شان برای انتحار و به زعم خود شان جهاد علیه دولت و حامیان بین المللی آن خواهند برد زیرا این کتاب بهترین دستاویزی بحیث یک سند مؤثق و تصدیق کننده ادعاهایشان که دین اسلام در خطر است، و حلقات معین در افغانستان و جهان در صدد از بین بردن آن اند! میباشد. ازینرو حتی افراد بیطرف گفته های ایشان را باور کرده و پیروان شان اگر در گذشته یک واسکت مملو از مواد انفجاری جهت انتحار میپوشیدند، حالا دو واسکت را بتن بسته خواهند کرد.

پس میبینیم که هم دولت و هم حامیان بین المللی آن در اثر اشتباه کوچک دو نفر افراد عادی مملکت در موقعیت خلیها حساس قرار گرفته اند و یکبار دیگر القاعده و شاخ و برگ و خار آن میتواند همچو گذشته باز هم دولت را همچو موش در تله گیر آورده شدیدترین ضربه های خود را با استفاده ازین وضعیت وارد آورد. بناً معقول این خواهد بود که دولت هر چه زودتر با تشکیل مجمعی از روحانیون کتاب مذکور را از دیدگاه دینی نقد نموده جلو توسعه این خبر را که بوسیله مخالفین هر روز از یک زاغ به چهل زاغ تبدیل میشود، بگیرد.

تا جاییکه مربوط به آقای "غوٹ زلمی" و "قاری مشتاق احمد" مربوط میشود ایشان باید هزینه بی را که صرف طبع این کتاب کرده و بعد رایگان آنرا برای مردم توزیع کرده اند، درست و واضح سازند که این مبلغ را از چه مدرک بدست آورده اند. زیرا ایشان در پایان مقدمه کتاب بوضوح نوشته اند که قیمت تمام شد هر کتاب صد افغانی و تعداد کتب چاپ شده شش هزار نسخه. بناً شش هزار ضرب صد مساوی به ششصد هزار افغانی میگردد. پس از تکمیل تحقیقات در هر صورت لازم است تا دولت برای ایشان بجای مجازات، یک صنف درسی را غرض فراگیری اساسات عقاید اسلام دایر نماید تا دیگر ایشان مرتکب چنین اشتباهی نشوند که انسانرا بجای ملایک ببینند و ترجمه قرآن را بجای قرآن اصلی بزبان دری برای مردم توزیع نمایند.

تحریف یا تأویل؟

و اما تاجاییکه موضوع تحریف از قرآن بوسیله بعضی افراد و حلقات خواننده و یا ناخوانده مطرح گردیده درین ارتباط باید گفت که کلمه تحریف به آن معنای که در قرآن و فرهنگ دین مبین اسلام وجود دارد، قطعاً درین کتاب بچشم نمیخورد. زیرا تحریف را علما و فقهای اسلام چنان تعریف کرده اند که کمترین نشانه آن عبارت است از تأویل مغایر معنا و مفهوم اصلی متن. ولی تا جاییکه بنده کلمه به کلمه، آیت به آیت و سوره به سوره داشته های این کتاب را با آیات قرآن تطبیق و تحقیق کردم جز دو سه مورد در متن و بقیه در قسمت تعلیقات آن کتاب که نظریات و تأویلات شخصی خود مترجم تحت عنوان "توضیح بعضی از آیات قرآن" آمده چیزی دیگری بچشم نمیخورد که ذیلاً به تذکر آنها میپردازیم:

1 در سوره توبه، پاره دهم، آیه 33 کلمه "لیظهره" که همه مترجمین و مفسرین قرآن آنرا بمعنای غلبه دین اسلام بر ادیان دیگر معنا کرده اند، برخلاف عموم، مترجم این کتاب از اشکم خود آنرا بمعنای آگاه ساختن ترجمه کرده است: خدا وجودی است که رسولش را با راهنمایی و دین حق فرستاد تا او را از تمام دین آگاه سازد هر چند که افراد مشرک خوششان نیاید. همینگونه در ذیل آیت 28 سوره فتح با آیت مشابه که در آنجا تکرار شده است عمل نموده است. (192)

2 در سوره فاتحه کلمه " رب " را بمعنای صاحب اختیار ترجمه کرده است. درحالیکه این واژه در زبان عرب بمعنای پرورش دهنده متداولست. شاهد این مدعا ما آیت 276 قرآن عظیم، پاره سوم، سوره بقره است: *يٰۤاَيُّهَا رَبِّیْ وَرَبِّیْ الصّٰدِقِیْنَ*. ترجمه: خدا ربا را نابود میکند و صدقات را رشد میدهد. (صفحه 1)

3 در سوره فاتحه دو کلمه "رب العالمین" را به "صاحب اختیار پروردگار مردم جهان" ترجمه کرده است که خیلیها نا مانوس است. زیرا خدا پروردگار همه جهانیان اعم سنگ، نبات، حیوان، انسان و خلاصه همه مخلوقات که ما هنوز به شناخت آنها دست نیافته ایم، میباشد. آیا میشود سنگها، نباتات، حشرات و همچو چیزهای را در شمار مردم آورد؟ (همان صفحه)

نکات فوق الذکر مربوط به ترجمه متنی آیات قرآن بود.

از آن گذشته در اخیر این کتاب نویسنده یک سلسله تعلیقاتی را زیر نام توضیح بعضی از آیات آورده است که نظریات شخص مترجم بوده و بعضی قسمتهای آن خیلیها با نصوص قرآن و حدیث مخالفت دارد. ولی فراموش نکنیم که مترجم اینگونه نظریات را جدا از ترجمه قرآن آورده است که در زیر به ذکر آنها میپردازیم:

1 در صفحه 609 در قسمت توضیح آیت 25 سوره نساء میگوید: "مجازات زنانی محصنه صد تازیانه است که نصف آن 50 تازیانه میشود. چون اگر مجازات آن سنگسار باشد، نصف آن (قتل بصورت سنگسار) معنی ندارد. در قرآن حکم سنگسار در مورد مجازات هیچ جرمی وجود ندارد. حکم سنگسار در تورات است."

باین ترتیب مترجم منکر مجازات سنگسار کردن در اسلام است درحالیکه پیامبر و اصحاب و تابعین همه در زندگی خود حکم سنگسار را بالای اشخاص مرتکب زنا محصنه اجرا کرده اند.

2 در صفحه 610 درباره آیه 34 همین سوره کلمه "نشوز" را میگوید که فقط در رابطه به عمل جنسی است و بس. سپس در تشریح این گفته خود سخنان مبهم آورده است که معلوم نیست هدف اصلی نویسنده چیست و چه میخواهد بگوید.

3 در صفحه 611 در باره آیت 6 سوره مایده پاره ششم میگوید: "میبینیم که در سال آخر عمر پیامبر حکم وضو نازل شده یعنی مسلمانان 22 سال بدون وضو نماز میخواندند. حالا نگاه کنید که چه جنجالی درباره وضو وجود دارد؟" گویا مترجم قصد استخفاف و رفع تکلیف وضو را از مسلمانان با اینگونه استنباط خود داشته است.

با وصف اینهمه موارد که در بالا یاد کردیم، بنده معتقد است که کتاب مذکور را نمیتوانیم مباح الحریق و نویسنده و یا تکثیر کنندگان آنرا مباح الدم بخوانیم زیرا نویسنده و یا مترجم آن هیچگونه تصرفی در حذف، تغییر و یا هم تبدیل آیات قرآن نکرده بلکه نظریات خود را تحت یک عنوان علیحده در آخر کتاب آورده است. اگر قرار باشد که اینگونه موارد را نا بخشودنی و تحریف بدانیم فراموش نکنیم که اینگونه تحریفها در اکثر ترجمهها و حتی تفسیرهای معتبر جهان اسلام وجود دارد. فراوان تفسیرهای در قدیم الایام نوشته شده اند که با واقعیات امروز هیچگونه همخوانی ندارند. (البته مساعی ایشان در همان عصر و همان دوره تاجاییکه عقل و علم شان قد میداده نوشته اند، قابل تمجید است). در بعضی تفسیرهای که برای توضیح آیات قرآن نوشته شده، زمین را بالای شاخ گاو مستقر خوانده اند. یکی از آن کتابها تفسیر حسینی است که مؤلف آن ملا حسین واعظ کاشفی، آیت زده سوره معارج را چنین تفسیر میکند: "ان الانسان خلق هلو عاً آورده اند که هلو ع جانوری است در پس کوه قاف که هر روز هفت صحرا را از گیاه خالی میکند یعنی همه حشایش آنرا میخورد و آب هفت دریا را میاشامد و هر شب در اندیشه آنست که فردا چه خواهم خورد". بر مبنای این تفسیر ملا صاحب حسین واعظ کاشفی انسان گویا همان جانور کوه قاف است که هفت دریا و هفت صحرا را روزانه نوش جان میکند و هنوز هم در اندیشه فرداست.

درحالیکه کلمه "هلو ع" بمعنای بی ثبات، حریص و بی تاب است. یعنی اینکه حالت انسان در تحولات زندگی ثبات ندارد. هرگاه به او ضرری رسیده به ضیقی معیشت گرفتار میشود در آن حالت داد و فریادش بالا میشود. و هرگاه وضع مالی اش خوب شد و حالت بهتری را پیدا کرد آنوقت مغرور گردیده بالای دیگران فخر میفروشد، تکبر میکند و از کمک به افراد تهیدست خود داری میورزد. حالا معنای "بی ثبات" کجا و جانور کوه قاف کجا؟

درحالیکه کتاب چاپ شده موسوم بنام قرآن پاک که در اصل قرآن پاک نیست، از همچو مزخرفات کاملاً عاریست ولی نکات قابل ایرادی هم دارد که فوقاً ذکر شد. در قسمت اخیر فراموش نکنیم که پوش کتاب هم از اعتراض شرع خالی نیست زیرا بسیار برجسته و واضح روی آن نوشته شده است "قرآن پاک". درحالیکه قرآن کتاب خاصی است که با الفاظ مخصوص عربی برای پیامبر نازل شده است و ترجمهها و تفسیرها هر چند بسیار دقیق

و طبق متن اصلی عربی هم باشد، باز هم نمیتوانیم آنرا قرآن بنامیم. مقالهء خود را با ذکر چند آیت از قرآن عظیم که دلالت بر خاص بودن قرآن به زبان عربی دارد به اختتام میرسانیم:

اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

ترجمه: ما قرآن را بزبان عربی نازل کردیم تا شما دران تعقل کنید. (پارهء 12، سورهء یوسف،

آیه دوم)

و كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ. ترجمه: و ما اینطور بتو قرآن را بزبان عربی

نازل کردیم و دران انواع هشدارها را دادیم. (پارهء 16، سورهء طه، آیه 113)

والسلام